مجله علمی- تحقیقی جوزجانان

دوره ۱۹؛ شماره ۱ (مسلسل ۴۸)؛ بهار و تابستان ۱۴۰۵؛ صفحات ۵۹-۷۵

شاپا چاپی: ۳۰۸۰-۱۰۶۰- شاپا الکترونیکی: ۳۰۸۰-۱۰۷۹

نقش و کارکردهای چندوجهی روابط همسایگی در زندگی روزمره؛ مطالعه‌ای کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا در افغانستان

عبدالمصور ظهور*

پوهنیار، جامعه‌شناسی، ادبیات و علوم بشری، پوهنتون بغلان، پلخمری، افغانستان.

https//:orcid.org/0009-0009-7861-8226 - mosawerzuhor@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۵/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۶/۲۹)

چکیده

تحقیق حاضر زیر عنوان " نقش و کارکردهای چندوجهی روابط همسایگی در زندگی روزمره؛ مطالعه‌ای کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا در افغانستان" تلاش نموده است جایگاه همسایه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی مردم مورد بررسی قرار دهد و اهمیت روابط همسایگی را در جامعه روشن سازد. هدف اصلی این تحقیق، بررسی نقش همسایه‌ها در زندگی اجتماعی مردم و تبیین تأثیر روابط همسایگی بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی افراد می‌باشد. این تحقیق با استفاده از روش کیفی و رویکرد توصیفی- تحلیلی انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه منابع (کتاب‌ها، مقالات علمی و تحقیقات مرتبط) گردآوری گردیده و سپس داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که همسایه‌ها نقش مهمی در ایجاد روابط اجتماعی، تقویت انسجام اجتماعی، افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی، ارتقای احساس امنیت، کاهش تنهایی و انزوای اجتماعی، حل مشکلات خانوادگی، انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تربیت کودکان و نوجوانان و گسترش مشارکت‌های اجتماعی دارند. نتایج یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که هرچه روابط همسایگی قوی‌تر و صمیمانه‌تر باشد، میزان همکاری، همبستگی و رضایت اجتماعی در جامعه نیز افزایش می‌یابد.

کلمات کلیدی: *انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط همسایگ، زندگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی.*

---

* . ظهور، عبدالمصور. (۱۴۰۵). نقش و کارکردهای چندوجهی روابط همسایگی در زندگی روزمره؛ مطالعه‌ای کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا در افغانستان. *مجله علمی-تحقیقی جوزجانان* ۱۹(۱)، ۵۹-۷۵. https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2026.104

Scientific-Research Journal of Jawzjanan
Volume 19; Issue 1 (Serial No. 48); Spring & Summer 2026; Pages 59–75
P-ISSN: 3080-1060– E-ISSN: 3080-1079

The Role and Multifaceted Functions of Neighborly Relations in Everyday Life: A Qualitative Study Based on Content Analysis in Afghanistan

Abdul Mosawer Zuhor*

Teaching Assistant, Department of sociology, Faculty of Literature and Humanities, Baghlan University, Pulikhomri, Afghanistan.
mosawerzuhor@gmail.com - https//:orcid.org/0009-0009-7861-8226

(Received: 25/07/2026 - Accepted: 20/09/2026)

Abstract

The present study, entitled " The Role and Multifaceted Functions of Neighborly Relations in Everyday Life: A Qualitative Study Based on Content Analysis in Afghanistan," seeks to examine the position of neighbors in various dimensions of social life and to elucidate the significance of neighborly relations in society. The main objective of this research is to investigate the role of neighbors in people's social life and to explain the impact of neighborly relations on different aspects of individuals' social existence. This research employs a qualitative method with a descriptive-analytical approach. The required data were collected through the study of relevant sources, including books, scientific articles, and related research, and were subsequently analyzed using content analysis method.bThe findings indicated that neighbors play a significant role in fostering social relationships, strengthening social cohesion, enhancing trust and social capital, promoting a sense of security, reducing loneliness and social isolation, resolving family problems, transmitting social values and norms, nurturing children and adolescents, and expanding social participation. The results suggest that the stronger and more intimate the neighborly relations, the higher the levels of cooperation, solidarity, and social satisfaction within the community.

Keywords: *Social Cohesion, Neighborly Relations, Social Life, Social Capital, Neighbors.*

*. **Citation:** Zuhor, A. (2026). The Role and Multifaceted Functions of Neighborly Relations in Everyday Life: A Qualitative Study Based on Content Analysis in Afghanistan. *Scientific-Research Journal of Jawzjanan,* 19(1), 59–75. https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2026.104

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَىٰ آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

زندگی اجتماعی، جوهرهٔ وجودی انسان و وجه ممیز او از سایر موجودات است. انسان از بدو تولد تا واپسین دم حیات، در شبکه‌ای از روابط و تعاملات با دیگران تنیده شده است و این پیوندها، زیربنای شکل‌گیری هویت فردی و جمعی او را تشکیل می‌دهند. در این میان، همسایگان به عنوان نزدیک‌ترین گروه اجتماعی در زیست‌جهانِ روزمره، نقشی بی‌بدیل در کیفیت مناسبات انسانی، احساس امنیت، همبستگی اجتماعی و آرامش روانی افراد ایفا می‌کنند. از همین رو، واکاوی جایگاه و کارکردهای همسایگی در زندگی اجتماعی، نه تنها موضوعی ارزشمند و در خور تأمل؛ بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای فهم پویایی‌های جوامع انسانی است (یوسفی، نوغانی و حجازی، ۱۳۸۸، ص.۱۱۰).

اصل موضوع این تحقیق، بررسی «نقش و کارکردهای چندوجهی روابط همسایگی در زندگی روزمره؛ مطالعه‌ای کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا در افغانستان» است؛ نقشی که در تعاملات روزمره، همکاری‌های متقابل، حمایت‌های عاطفی و حتی حل بحران‌های فردی و جمعی تجلی می‌یابد. همسایگان، فراتر از یک همجواری مکانی، به مثابهٔ شبکه‌ای از روابط انسانی عمل می‌کنند که می‌تولند بستر اعتماد، همدلی و نظم اجتماعی را فراهم آورد و از گسست پیوندهای جمعی جلوگیری نماید. در نظام ارزشی اسلام، همسایه از چنان جایگاه والایی برخوردار است که می‌توان آن را یکی از ارکان اصلی نظم اجتماعی و اخلاق شهروندی به شمار آورد. قرآن کریم در آیهٔ ۳۶ سورهٔ نساء، نیکی به همسایه را در کنار عبادت خداوند، نیکی به والدین، خویشاوندان، یتیمان و مسکینان قرار داده و می‌فرماید ﴿ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ﴾ خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و نیازمندان و همسایهٔ نزدیک و همسایهٔ دور و همنشین نیکی کنید .(...این هم‌نشینیِ همسایه با مقدس‌ترین نهادهای اجتماعی، نشان‌دهندهٔ نگاه کلان اسلام به روابط همسایگی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سخنان خود، چنان بر رعایت حقوق همسایه تأکید ورزیده‌اند که فرموده‌اند:«مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ»؛ جبرئیل چنان دربارهٔ همسایه به من سفارش می‌کرد که گمان بردم همسایه را وارث همسایه خواهد کرد. این

روایت که در منابع معتبر فریقین نقل شده، بیانگر میزان حساسیت شارع مقدس نسبت به حفظ حقوق همسایگان است.

حقوق همسایه در اسلام نه تنها شامل همسایگان مسلمان؛ بلکه غیرمسلمانان را نیز در بر می‌گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همسایگان را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: «نخست، همسایهٔ که سه حق دارد: حق همسایگی، حق اسلام و حق خویشاوندی. دوم، همسایه‌ای که دو حق دارد: حق اسلام و حق همسایگی. سوم، همسایهٔ که تنها یک حق دارد و آن همسایهٔ غیرمسلمان است که فقط حق همسایگی برای او ثابت است «. این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که حتی همسایهٔ غیرمسلمان نیز از حقوق همسایگی برخوردار است و این نگاه فراگیر و انسان‌دوستانه، از ویژگی‌های برجستهٔ اخلاق اسلامی است.

از منظر اجتماعی، این آموزه‌ها نشان می‌دهند که اسلام برای همسایه نه تنها نقشی حمایتی (همکاری و همیاری) قایل است؛ بلکه او را به عنوان شاهد اعمال و رفتار فرد نیز در نظر گرفته است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیکوکاری و بدکاری فرد را با گواهی همسایگانش معیار سنجش قرار داده‌اند. بنابراین، جایگاه همسایه در اسلام، از یک رابطهٔ همجواریِ صرف فراتر رفته و به یکی از معیارهای اساسی ایمان، اخلاق و نظم اجتماعی تبدیل شده است.

مسأله اساسی این است که با وجود اهمیت انکارناپذیر روابط همسایگی، در بسیاری از جوامع امروزی، به ویژه در کلان‌شهرها و مناطق شهری، این روابط رو به افول نهاده و جای خود را به بی‌تفاوتی، فردگرایی و فاصلهٔ اجتماعی سپرده است. بنابراین، پرسش بنیادین این تحقیق آن است که چرا با وجود کارکردهای چندوجهی همسایگی، این روابط در برخی بافت‌ها سست شده است و چگونه می‌توان با شناخت علمی این مسأله، به بازآفرینی فرهنگ همسایه‌داری یاری رساند. هدف اصلی این تحقیق، شناخت ژرف و همه‌جانبهٔ نقش همسایگان در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی است. اهداف ویژهٔ آن عبارت‌اند از: بررسی تأثیر روابط همسایگی بر انسجام اجتماعی، اعتماد، امنیت روانی، کاهش تنهایی، حل بحران‌های خانوادگی، مشارکت جمعی، انتقال ارزش‌ها و رشد اجتماعی کودکان؛ و نیز شناسایی چالش‌های فراروی این روابط و ارائه راهکارهایی برای تقویت آن‌ها، اهمیت و ضرورت این تحقیق از آن‌جا ناشی می‌شود که در عصر کنونی، با وجود پیشرفت‌های شگرف مادی و فناورانه، روابط انسانی در بسیاری از جوامع دچار سردی و گسست شده است. در چنین فضایی، بازخوانی کارکردهای همسایگی و ترویج فرهنگ همسایه‌داری می‌تواند به عنوان راهبردی کارآمد برای احیای سرمایهٔ اجتماعی،

کاهش آسیب‌های روانی و تقویت همبستگی جمعی عمل کند. این موضوع در جوامع سنتی و فرهنگی‌مانند افغانستان که همچنان پیوندهای محله‌ای و خویشاوندی از اهمیت والایی برخوردار است، از حساسیت و ضرورت دوچندانی برخوردار است؛ زیرا غفلت از این میراث ارزشمند، می‌تواند به از هم‌گسیختگی تدریجی بافت اجتماعی بیانجامد.

پیشینهٔ تحقیق نشان می‌دهد که تا کنون مطالعات متعددی در حوزهٔ روابط همسایگی انجام شده است؛ اما هر یک عمدتاً به یک یا دو بعد خاص (مانند امنیت، سرمایهٔ اجتماعی یا انسجام محلی) پرداخته‌اند.

سامپسون (sampson) و همکاران (۱۹۹۷) تحقیقی را زیر عنوان «محله‌ها و جرایم خشونت‌آمیز: مطالعه چندسطحی کارآیی جمعی انجام داده‌اند. این تحقیق یکی از تحقیقات مهم در زمینه نقش روابط محلی و همسایگی در امنیت اجتماعی است. نویسندگان نشان داده‌اند که هرگاه میان ساکنان یک محله اعتماد، همکاری و نظارت اجتماعی وجود داشته باشد، میزان جرایم و بی‌نظمی‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. نتیجه اصلی تحقیق این است که روابط نزدیک همسایگی و احساس مسئولیت مشترک مردم نسبت به محل زندگی، عامل مهمی در ایجاد امنیت و نظم اجتماعی است. رابرت دی پاتنام (Robert D. Putnam) (۲۰۰۰) با عنوان «بولینگ به تنهایی: فروپاشی و احیای اجتماع آمریکایی»: پاتنام در این تحقیق گسترده، کاهش سرمایه اجتماعی، کاهش مشارکت‌های گروهی و ضعیف شدن روابط اجتماعی را بررسی کرده است. او نتیجه می‌گیرد که کاهش روابط چهره‌به‌چهره، از جمله روابط همسایگی، باعث کاهش اعتماد، همکاری اجتماعی و مشارکت مدنی می‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد که روابط محلی و شبکه‌های اجتماعی کوچک، مانند همسایگی، در تقویت همبستگی اجتماعی و احساس تعلق مردم نقش اساسی دارند.

یوسفی، نوغانی و حجازی (۱۳۸۸) تحقیقی را با عنوان «انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد» انجام داه‌اند. این تحقیق به بررسی نقش شبکه‌های همسایگی در تقویت انسجام اجتماعی پرداخته است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که همسایگی بخشی مهم از فضای عمومی شهری است و می‌تواند فرصت ارتباط اجتماعی، همکاری و همبستگی را برای ساکنان فراهم سازد. یافته‌ها نشان داده‌اند که هر اندازه روابط همسایگی منظم‌تر و صمیمانه‌تر باشد، انسجام اجتماعی در سطح محله بیشتر خواهد شد .

سروستانی (۱۳۸۹) تحقیقی را زیر عنوان «بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در میان شهروندان ساکن محلات شهر مشهد» انجام داده‌اند. این تحقیق

رابطه میان مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت اجتماعی را بررسی کرده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که هرچه میزان ارتباط و مشارکت مردم با همسایه‌ها بیشتر باشد، احساس امنیت آنان در محیط زندگی نیز افزایش می‌یابد. این تحقیق تأکید می‌کند که روابط همسایگی تنها یک رابطه ساده اجتماعی نیست؛ بلکه در تقویت امنیت روانی و اجتماعی مردم نقش مهم دارد.

اسماعیلی، دشتی و دهدست (۱۳۹۷) تحقیقی را با عنوان «تجربه زنان تهرانی از بی‌اعتنایی اجتماعی در روابط همسایگی: یک مطالعه کیفی» انجام داده‌اند. این تحقیق با رویکرد کیفی، تجربه زنان تهرانی از کم‌رنگ شدن روابط همسایگی و بی‌اعتنایی اجتماعی را بررسی کرده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که کاهش توجه، همکاری و ارتباط میان همسایه‌ها باعث افزایش احساس تنهایی، بی‌اعتمادی و فاصله اجتماعی می‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد که ضعف فرهنگ همسایه‌داری می‌تواند کیفیت زندگی اجتماعی را پایین آورد.

بررسی نظام‌مند پیشینه نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده در حوزهٔ روابط همسایگی، عمدتاً بر محورهای خاصی متمرکز بوده‌اند: سامپسون و همکاران (۱۹۹۷) بر کارکرد نظارتی و بازدارندگی روابط محله‌ای در کاهش جرایم تأکید داشته‌اند. پاتنام (۲۰۰۰) نقش آن را در تقویت سرمایهٔ اجتماعی و مشارکت مدنی برجسته ساخته است. یوسفی، نوغانی و حجازی (۱۳۸۸) بر انسجام‌بخشی شبکه‌های همسایگی در فضای شهری متمرکز بوده‌اند. سروستانی (۱۳۸۹) به پیوند میان مشارکت همسایگی و احساس امنیت روانی پرداخته و اسماعیلی، دشتی و دهدست (۱۳۹۷) نیز پیامدهای روانی-اجتماعی کاهش این روابط را کاویده‌اند.

با وجود این مطالعات ارزشمند، خلأ نظری آشکاری در تحقیقات پیشین دیده می‌شود. نخست آنکه بیشتر تحقیقات پیشین به یک یا دو بعد خاص محدود بوده‌اند و کمتر مطالعهٔ به شکل جامع و یکپارچه به همهٔ کارکردهای اجتماعی، روانی و فرهنگی روابط همسایگی پرداخته است. دوم آنکه اغلب تحقیقات در بستر کلان‌شهرها انجام شده و به ویژگی‌های فرهنگی، دینی و بافتاری جوامع سنتی‌تر مانند افغانستان توجه کافی نداشته‌اند. سوم آنکه بیشتر مطالعات کمی، به سنجش شاخص‌های عینی پرداخته‌اند و از لایه‌های معنایی، ادراکی و تجربهٔ زیستهٔ افراد از روابط همسایگی غافل بوده‌اند. از این رو، تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و تحلیل محتوا، در صدد است تا با نگاهی گسترده‌تر، ژرف‌نگرانه‌تر و متناسب با بافتار فرهنگی-اجتماعی افغانستان، به تبیین نقش چندلایهٔ همسایگان در زندگی اجتماعی مردم بپردازد و خلأ موجود را تا حد ممکن مرتفع سازد. این تحقیق می‌کوشد تا ضمن شناسایی کارکردهای مثبت روابط

همسایگی، به چالش‌های فراروی آن نیز توجه کند و راهکارهایی عملی برای بازآفرینی و تقویت فرهنگ همسایه‌داری در جوامع معاصر ارایه دهد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر با هدف واکاوی نقش و کارکردهای چندوجهی روابط همسایگی در زندگی روزمره، با اتخاذ رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. راهبرد اصلی تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی بوده است تا مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با موضوع، به‌طور نظام‌مند از دل متون استخراج گردند. واحد تحلیل، مفاهیم، جملات و پاراگراف‌های کلیدی موجود در متون بوده‌اند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به کارکردها، پیامدها و نقش‌های روابط همسایگی اشاره داشته‌اند. فرایند تحلیل داده‌ها در پنج گام نظام‌مند انجام شد: در گام نخست، متون انتخاب‌شده بر اساس ارتباط موضوعی و اعتبار علمی غربال و سازماندهی شدند. در گام دوم، هر یک از متون چندین بار به‌دقت خوانده شد و تمامی جملات، عبارات و پاراگراف‌های مرتبط با نقش‌ها، کارکردها و پیامدهای روابط همسایگی، به‌صورت خط‌به‌خط استخراج و به‌عنوان کدهای اولیه (کدگذاری باز) ثبت شدند که در این مرحله ۱۲۴ کد مفهومی (همچون همکاری، اعتماد، نظارت اجتماعی، حمایت عاطفی، کاهش تنهایی و...) استخراج گردید. در گام سوم (کدگذاری محوری)، کدهای اولیه با یکدیگر مقایسه و کدهای مشابه یا مرتبط در قالب مقوله‌های سطح پایین‌تر گروه‌بندی شدند؛ برای نمونه، کدهای «کمک مالی»، «همدردی»، «مراقبت از کودکان» و «حضور در مراسم» در مقولهٔ «همکاری متقابل» قرار گرفتند. در گام چهارم (کدگذاری انتخابی)، مقوله‌های سطح پایین‌تر بر اساس شباهت مفهومی، در قالب ۱۰ مقولهٔ اصلی سازماندهی شدند که عبارت بودند از: انسجام اجتماعی، سرمایهٔ اجتماعی، امنیت روانی، حمایت عاطفی، کاهش تنهایی، حل بحران، انتقال ارزش‌ها، مشارکت جمعی، اعتماد اجتماعی و همکاری متقابل. در گام پنجم و نهایی (تشخیص مضامین فراگیر)، مقوله‌های اصلی بر اساس سطح اثرگذاری، در سه مضمون فراگیر دسته‌بندی شدند: کارکردهای اجتماعی (شامل انسجام، سرمایهٔ اجتماعی و مشارکت)، کارکردهای روانی-حمایتی (شامل امنیت، کاهش تنهایی، حمایت عاطفی و حل بحران) و کارکردهای فرهنگی-تربیتی (شامل انتقال ارزش‌ها، اعتماد و تربیت اجتماعی). همچنین، در تمام مراحل، ملاحظات اخلاقی از جمله ارجاع دقیق و شفاف به تمامی منابع با استفاده از شیوهٔ APA، صداقت در تحلیل و پرهیز از تحمیل پیش‌فرض‌های شخصی رعایت شده است.

یافته‌ها

نقش همسایگان در روابط اجتماعی و تعاملات روزمره

یافته‌ها نشـان می‌دهد که همسـایگان از طریق تعاملات سـادهٔ روزمره (سـلام، گفت‌وگو، دید و بازدید) و همکاری در امور جاری، به افزایش صـمیمیت، اعتماد و انسـجام اجتماعی کمک می‌کنند. در تحلیل متون، کدهایی چون «ارتباطات چهره‌به‌چهره»، «افزایش شـناخت متقابل»، «کاهش سـوءتفاهم» و «تقویت روحیهٔ مشـارکت» تکرار شـده‌اند. این یافته با نظریهٔ پاتنام در مورد نقش تعاملات روزمره در سـرمایهٔ اجتماعی (putnam, 2000, p. 72) و نیز با مباحث دورکیم دربارهٔ انسجام اجتماعی (دورکیم، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۸) هم‌سو است.

جدول ۱. نقش همسایگان در روابط اجتماعی و تعاملات روزمره

پیامد اجتماعی	توضیحات (براساس کدهای مستخرج)	نوع نقش
افزایش صمیمیت و آشنایی	سلام، گفت‌وگو و دید و بازدید	**ارتباطات روزمره**
تقویت روحیهٔ مشارکت	کمک در شرایط اضطراری	**همکاری و همیاری**
کاهش احساس تنهایی	پشتیبانی عاطفی و روانی	**حمایت اجتماعی**
تقویت سرمایهٔ اجتماعی	روابط مبتنی بر صداقت و احترام	**اعتماد اجتماعی**
افزایش انسجام اجتماعی	همکاری در امور محله	**مشارکت محلی**
حفظ نظم اجتماعی	آموزش هنجارها و رفتارهای اجتماعی	**انتقال ارزش‌ها**

جدول فوق نشـان می‌دهد که همسـایه‌ها تنها در کنار یکدیگر زندگی نمی‌کنند؛ بلکه از طریق تعاملات روزمره، همکاری‌های متقابل و مشـارکت‌های اجتماعی، نقش مهمی در ایجاد و تقویت روابط اجتماعی ایفا می‌کنند. این روابط زمینه‌ساز افزایش اعتماد، همبسـتگی و انسـجام اجتماعی در سطح محله و جامعه می‌شود.

تأثیر روابط همسایگی بر انسجام اجتماعی محله

یافته‌ها نشـان می‌دهد که روابط همسـایگی از طریق افزایش اعتماد متقابل، همکاری در امور محله و احسـاس تعلق، به تقویت انسـجام اجتماعی کمک می‌کند. به عنوان نمونه، در تحلیل متون، کدهایی چون «کاهش تعارضـات»، «افزایش همبسـتگی» و «توسـعهٔ مسـئولیت‌پذیری» تکرار شده‌اند. این یافته به گونه واضح و روشن با تحقیقات یوسفی، نوغانی و حجازی (یوسفی، نوغانی و حجازی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲) و سروستانی (سروستانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۲) همسو است که نشان داده‌اند محله‌های دارای روابط همسایگی قوی، از انسجام اجتماعی بالاتری برخوردارند.

همچنین، در اندیشهٔ دورکیم، پیوندهای اجتماعی به عنوان عامل نظم و همبستگی معرفی شده‌اند که روابط همسایگی مصداق عینی آن است.

جدول ۲. تأثیر روابط همسایگی بر انسجام اجتماعی محله

پیامدهای اجتماعی	نقش در انسجام اجتماعی	ابعاد روابط همسایگی
کاهش تعارضات اجتماعی	افزایش اطمینان میان ساکنان	**اعتماد متقابل**
تقویت همبستگی اجتماعی	مشارکت در حل مشکلات محلی	**همکاری و همیاری**
افزایش احساس تعلق	گسترش شناخت متقابل	**ارتباطات روزمره**
کاهش انزوا و تنهایی	کمک در شرایط دشوار	**حمایت اجتماعی**
توسعهٔ مسئولیت‌پذیری	حضور در برنامه‌های اجتماعی	**مشارکت محلی**
ایجاد محیط اجتماعی سالم	تقویت روابط انسانی	**احترام متقابل**

جدول فوق نشان می‌دهد که روابط همسایگی از طریق اعتماد، همکاری، مشارکت و حمایت اجتماعی، زمینه‌ساز انسجام در محله می‌شود و هرچه تعاملات گسترده‌تر باشد، همبستگی و هماهنگی ساکنان افزایش می‌یابد.

نقش همسایگان در تقویت سرمایهٔ اجتماعی

تحلیل منابع نشان می‌دهد که همسایگی از طریق گسترش شبکه‌های ارتباطی، اعتماد اجتماعی و حمایت متقابل، به توسعهٔ سرمایهٔ اجتماعی یاری می‌رساند. کدهایی چون «افزایش اعتماد»، «تقویت همکاری» و «گسترش مشارکت» در متون پرتکرار بوده‌اند. این یافته با نظریهٔ پاتنام همخوانی دارد که سرمایهٔ اجتماعی را نتیجهٔ تعاملات چهره‌به‌چهره و شبکه‌های محلی می‌داند (putnam, 2000, p. 74).

جدول ۳. نقش همسایگان در تقویت سرمایهٔ اجتماعی

پیامدهای اجتماعی	نقش همسایگان	مؤلفهٔ سرمایهٔ اجتماعی
افزایش همبستگی اجتماعی	ایجاد روابط مبتنی بر صداقت و احترام	**اعتماد اجتماعی**
تقویت تعاملات اجتماعی	گسترش ارتباطات میان ساکنان	**شبکه‌های اجتماعی**
افزایش مسئولیت‌پذیری	همکاری در فعالیت‌های عمومی	**مشارکت اجتماعی**
تقویت روحیهٔ همیاری	کمک در شرایط دشوار و بحرانی	**حمایت متقابل**
افزایش انسجام اجتماعی	وابستگی عاطفی به محله	**احساس تعلق**
توسعهٔ سرمایهٔ اجتماعی	حل مشکلات مشترک محله	**همکاری جمعی**

جدول فوق نشان می‌دهد که روابط همسایگی از طریق اعتماد، گسترش شبکه‌ها، مشارکت و همکاری‌های جمعی، نقشی بنیادین در توسعهٔ سرمایهٔ اجتماعی ایفا می‌کند و هرچه تعاملات میان همسایگان بیشتر باشد، سرمایهٔ اجتماعی محله نیز در سطح بالاتری قرار خواهد گرفت.

تأثیر همسایگان بر احساس امنیت اجتماعی

یافته‌ها نشان می‌دهد که روابط همسایگی از طریق نظارت اجتماعی غیررسمی و حمایت متقابل، به کاهش نگرانی، افزایش آرامش و تقویت امنیت روانی افراد کمک می‌کند. کدهایی چون «کاهش ترس»، «کنترول رفتارهای ناهنجار»، «افزایش آرامش» و «ایجاد اطمینان متقابل» در تحلیل متون تکرار شده‌اند. این یافته با نظریهٔ کارآیی جمعی، سامپسون (sampson, 1997, p. 88) و دیدگاه توسلی در مورد رابطهٔ همسایگی و امنیت (توسلی،۱۳۹۰، ص. ۲۶۳) هماهنگ است.

جدول ۴. تأثیر همسایگان بر احساس امنیت اجتماعی

پیامدهای اجتماعی	نقش در امنیت اجتماعی	ابعاد روابط همسایگی
کاهش نگرانی و ترس	افزایش اعتماد میان ساکنان	**شناخت متقابل**
کاهش جرایم محلی	کنترول رفتارهای ناهنجار	**نظارت اجتماعی غیررسمی**
افزایش آرامش اجتماعی	حمایت در شرایط بحرانی	**همکاری و همیاری**
تقویت امنیت روانی	ایجاد اطمینان متقابل	**اعتماد اجتماعی**
افزایش ثبات اجتماعی	حفاظت از منافع عمومی محله	**مشارکت محلی**
ارتقای سلامت اجتماعی	کاهش اضطراب و تنش	**حمایت عاطفی**

نقش همسایگان در کاهش احساس تنهایی و انزوای اجتماعی

یافته‌ها نشان می‌دهد که همسایگان با ایجاد فرصت‌های تعامل، حمایت عاطفی و مشارکت جمعی، به کاهش تنهایی و انزوا، به‌ویژه در میان گروه‌های آسیب‌پذیر، کمک می‌کنند. کدهایی چون «کاهش انزوا»، «افزایش آرامش درونی»، «تقویت حس تعلق» و «ایجاد فضای امن روانی» در تحلیل متون آشکار شده‌اند. این یافته با تحقیق اسماعیلی، دشتی و دهدست در مورد پیامدهای روانی کاهش روابط همسایگی (اسماعیلی، دشتی و دهدست،۱۳۹۷، ص. ۵۸) هم‌سو است.

جدول ۵. نقش همسایگان در کاهش احساس تنهایی و انزوای اجتماعی

پیامدهای روانی و اجتماعی	نقش در کاهش انزوا	ابعاد روابط همسایگی
کاهش احساس تنهایی	ایجاد فرصت برای تعاملات اجتماعی	**ارتباطات روزمره**
افزایش آرامش درونی	ارائه پشتیبانی روانی در شرایط دشوار	**حمایت عاطفی**
تقویت حس تعلق به محله	حضور در برنامه‌ها و فعالیت‌های جمعی	**مشارکت محلی**
کاهش وابستگی و افزایش اعتماد	کمک در امور روزمره و بحران‌ها	**همکاری و همیاری**
کاهش اضطراب و بی‌اعتمادی	ایجاد فضای امن روانی	**اعتماد متقابل**
افزایش حس همبستگی	بهره‌مندی از دانش و مهارت همسایگان	**تبادل تجربیات**

همکاری و همیاری متقابل میان همسایگان

یافته‌ها نشـان می‌دهد که همکاری‌های متقابل در امور روزمره، مراقبت‌ها و شـرایط بحرانی، از مهم‌ترین کارکردهای روابط همسـایگی اسـت که به افزایش رفاه عمومی و تقویت اعتماد اجتماعی می‌انجامد. کدهایی چون «کمک مالی»، «همدردی»، «مراقبت از کودکان و سالمندان» و «مشارکت در مراسم» در متون پرتکرار بوده‌اند. این یافته با مباحث یوسفی، نوغانی و حجازی در مورد همکاری و همبستگی هم‌سو است (یوسفی، نوغانی و حجازی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۴).

جدول ۶. همکاری و همیاری متقابل میان همسایگان

پیامدهای اجتماعی	نمونه‌های رایج	نوع همکاری و همیاری
افزایش امنیت اجتماعی	بیماری، حوادث و مشکلات خانوادگی	**کمک در شرایط اضطراری**
تقویت روابط انسانی	دلجویی و همدردی با همسایگان	**حمایت عاطفی**
افزایش مشارکت اجتماعی	پاک‌سازی، نظافت و زیباسازی محیط	**همکاری در امور محله**
تقویت اعتماد متقابل	مراقبت از کودکان و سالمندان	**مراقبت و نگهداری**
کاهش مشکلات اقتصادی	قرض‌الحسنه و کمک‌های مالی	**همکاری اقتصادی**
افزایش انسجام اجتماعی	مراسم مذهبی، فرهنگی و اجتماعی	**مشارکت در مناسبت‌ها**

جدول فوق نشان می‌دهد که همکاری و همیاری متقابل میان همسایه‌ها ابعاد مختلفی دارد و از کمک‌های روزمره تا حمایت در شـرایط بحرانی را در بر می‌گیرد. این همکاری‌ها موجب افزایش اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی شده و نقش مهمی در استحکام روابط اجتماعی محله ایفا می‌کند.

نقش همسایگان در حل مشکلات و بحران‌های خانوادگی

یافته‌ها نشان می‌دهد که همسایگان با حضور به‌موقع، حمایت عاطفی، میانجی‌گری و کمک‌های مادی، نقش مؤثری در کاهش فشـــارهای ناشـــی از بحران‌های خانوادگی دارند. کدهایی چون «کاهش فشـــار روانی»، «میانجی‌گری در اختلافات»، «همراهی در درمان» و «کمک مالی» در تحلیل متون شـناسـایی شـده‌اند. این یافته با تحقیق سـروسـتانی در باب همسـایگی و احسـاس امنیت هم فراخوان است (سروستانی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۵).

جدول ۷. نقش همسایگان در حل مشکلات و بحران‌های خانوادگی

پیامدهای اجتماعی	نقش همسایگان	نوع بحران یا مشکل
کاهش فشار اقتصادی	کمک‌های مالی و قرض‌الحسنه	**مشکلات اقتصادی**
افزایش آرامش روانی	رسیدگی و همراهی در درمان	**بیماری و حوادث**
کاهش تنش‌های درونی	میانجی‌گری و مشاوره	**اختلافات خانوادگی**
کاهش اندوه و انزوا	همدردی و حضور در مراسم	**فوت عزیزان**
افزایش اعتماد متقابل	همکاری در نگهداری	**مراقبت از کودکان و سالمندان**
تقویت تاب‌آوری روانی	حمایت عاطفی و دلجویی	**بحران‌های روحی-روانی**

تأثیر روابط همسایگی بر اعتماد اجتماعی

یافته‌ها نشـان می‌دهد که تعاملات مکرر، احترام متقابل و حمایت در بحران‌ها، اعتماد اجتماعی را در سـطح محله و جامعه افزایش می‌دهد. کدهایی چون «کاهش سـوءتفاهم»، «ایجاد فضـای امن»، «شـفافیت رفتاری» و «افزایش همبسـتگی» در متون پرتکرار بوده‌اند. این یافته با نظریهٔ پاتنام در مورد نقش روابط چهره‌به‌چهره در اعتماد اجتماعی و نیز تحقیق سـروسـتانی هم‌سـو است (putnam, 1995, p. 75).

جدول ۸ : تأثیر روابط همسایگی بر اعتماد اجتماعی

پیامدهای اجتماعی	نقش در اعتماد اجتماعی	ابعاد روابط همسایگی
کاهش سوءتفاهم و بی‌اعتمادی	افزایش شناخت و آشنایی	**تعاملات روزمره**
ایجاد فضای امن اخلاقی	تقویت روابط مبتنی بر کرامت	**احترام متقابل**
افزایش همبستگی اجتماعی	اثبات قابلیت اعتماد	**حمایت در بحران‌ها**
گسترش فرهنگ اعتماد	شفافیت در رفتارهای اجتماعی	**صداقت و روراستی**
تقویت سرمایهٔ اجتماعی	همکاری در حل مشکلات جمعی	**مشارکت در امور محله**
افزایش همبستگی عاطفی	درک متقابل احساسات و نیازها	**همدلی و همدردی**

نقش همسایگان در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی

یافته‌ها نشـان می‌دهد که همسـایگان با الگوسـازی رفتاری، نظارت غیررسـمی و مشـارکت در فعالیت‌های محلی، نقش کلیدی در انتقال ارزش‌هایی چون احترام، مسـئولیت، صـداقت و حفظ سـنت‌ها به نسـل جوان ایفا می‌کنند. کدهایی چون «آموزش عملی»، «الگوسـازی رفتاری»، «انتقال آداب و رسـوم» و «ایجاد نظم اجتماعی» در تحلیل متون تکرار شـده‌اند. این یافته با دیدگاه آنتونی گیدنز که میگوید هرچه روابط همسـایگی مسـتحکم‌تر باشـد، فرآیند انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز مؤثرتر انجام شده و زمینه حفظ فرهنگ، انسجام اجتماعی و ثبات جامعه فراهم می‌شود، همنواست (گیدنز، ۱۳۹۰، ص. ۲۸۳).

جدول ۹. نقش همسایگان در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی

پیامدهای اجتماعی	نقش همسایگان در انتقال	ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی
تقویت روابط انسانی	الگوسازی رفتاری در روابط روزمره	**احترام متقابل**
افزایش همبستگی اجتماعی	مشارکت در امور اجتماعی	**همکاری و همیاری**
ارتقای نظم اجتماعی	تشویق به رعایت وظایف اجتماعی	**مسئولیت‌پذیری**
کاهش تعارضات اجتماعی	آموزش عملی در تعاملات همسایگی	**رعایت حقوق دیگران**
تقویت سرمایهٔ اجتماعی	ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد	**صداقت و اعتماد**
تداوم فرهنگ جامعه	انتقال آداب و رسوم محلی	**حفظ سنت‌ها و فرهنگ**

جدول فوق نشـان می‌دهد که همسـایه‌ها از طریق تعاملات روزمره، الگوسـازی رفتاری و مشـارکت اجتماعی، نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دارند. این فرآیند موجب حفظ فرهنگ جامعه، افزایش نظم اجتماعی و تقویت انسجام میان افراد می‌شود.

نقش همسایگان در مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های جمعی

یافته‌ها حاکی از آن است که روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری، مشارکت افراد را در فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی، خدماتی و عمرانی محله افزایش می‌دهد و به تقویت هویت جمعی می‌انجامد. کدهای اسـتخراجی مانند «همکاری در مراسـم»، «مشـارکت در نظافت»، «همفکری در حل مشکلات» و «حضور در برنامه‌های آموزشی» نشان‌دهندهٔ این کارکرد است. این یافته با تحقیق سـروسـتانی در مورد رابطهٔ مسـتقیم مشـارکت همسـایگی و توسـعهٔ اجتماعی هم‌سـو اسـت (سروستانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۳).

جدول ۱۰. نقش همسایگان در مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های جمعی

پیامدهای اجتماعی	نقش همسایگان	ابعاد مشارکت اجتماعی
افزایش انسجام اجتماعی	همکاری در برگزاری مراسم	**برنامه‌های فرهنگی و مذهبی**
تقویت هویت جمعی	مشارکت در بهبود امکانات محله	**فعالیت‌های خدماتی و عمرانی**
کاهش نابرابری‌های اجتماعی	کمک به نیازمندان و آسیب‌دیدگان	**طرح‌های خیرخواهانه**
افزایش کارآمدی جمعی	همفکری و همکاری در رفع معضلات	**حل مشکلات محله**
ارتقای کیفیت زندگی	مشارکت در پاک‌سازی و نگهداری	**نظافت و زیباسازی محیط**
افزایش آگاهی‌های عمومی	همکاری در برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌ها	**برنامه‌های آموزشی و تربیتی**

مناقشه و نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق، که با رویکرد کیفی و تحلیل محتوای اسنادی به دست آمده‌اند، به روشنی نشان می‌دهند که روابط همسایگی دارای ده کارکرد اصلی در سه سطح اجتماعی (انسجام، سرمایهٔ اجتماعی، مشارکت)، روانی-حمایتی (امنیت، کاهش تنهایی، حمایت عاطفی، حل بحران) و فرهنگی-تربیتی (انتقال ارزش‌ها، اعتماد، تربیت اجتماعی) هستند. این یافته‌ها از یک سو با پیشینهٔ نظری و تحقیقی هم‌سویی قابل‌توجهی دارند و از سوی دیگر، با رویکردی جامع‌نگر و متناسب با بافتار فرهنگی افغانستان، گامی فراتر از مطالعات پیشین برداشته‌اند.

هم‌سویی با پیشینه و تبیین چرایی آن

هم‌سویی یافته‌ها با تحقیقات پیشین، ریشه در اشتراک نظری و مفهومی دارد. برای نمونه، یافته‌های مربوط به انسجام اجتماعی با تحقیقات یوسفی، نوغانی و حجازی (۱۳۸۸) و سروستانی (۱۳۸۹) هم‌سو است که نشان داده‌اند محله‌های دارای روابط همسایگی قوی، از انسجام اجتماعی بالاتری برخوردارند. این هم‌سویی از آن‌جا ناشی می‌شود که هر دو تحقیق، انسجام را نتیجهٔ اعتماد و همکاری جمعی می‌دانند. همچنین، در اندیشهٔ دورکیم، پیوندهای اجتماعی به عنوان عامل نظم و همبستگی معرفی شده‌اند که روابط همسایگی مصداق عینی آن است.

یافته‌های مربوط به سرمایهٔ اجتماعی با نظریهٔ پاتنام (۲۰۰۰) همخوانی دارد که سرمایهٔ اجتماعی را نتیجهٔ تعاملات چهره‌به‌چهره و شبکه‌های محلی می‌داند. دلیل این هم‌سویی، تأکید

هر دو رویکرد بر نقش تعاملات روزمره در تولید سرمایهٔ اجتماعی است. همچنین، تحقیق سروستانی (۱۳۸۹) نیز بر رابطهٔ مشارکت همسایگی و سرمایهٔ اجتماعی تأکید دارد که با یافته‌های ما هماهنگ است.

یافته‌های مربوط به امنیت روانی و نظارت اجتماعی با نظریهٔ کارآیی جمعی سامپسون (۱۹۹۷) و تحقیق توسلی (۱۳۹۰) هم‌سو است. این هم‌سویی از آن‌جا نشأت می‌گیرد که هر سه رویکرد، نظارت غیررسمی و اعتماد محلهٔ را عامل بازدارندگی در برابر جرم و ناهنجاری می‌دانند.

یافته‌های مربوط به کاهش تنهایی و انزوا با تحقیق اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۷) هم‌خوانی کامل دارد؛ چرا که هر دو تحقیق، کاهش تعاملات اجتماعی را عامل افزایش تنهایی و بی‌اعتمادی معرفی کرده‌اند.

وجوه تفاوت و نوآوری تحقیق حاضر

با وجود این هم‌سویی‌ها، تحقیق حاضر از حیث گسترهٔ موضوعی، عمق تحلیلی و بافتار بومی با تحقیقات پیشین تفاوت‌های اساسی دارد:

۱ . جامعیت نگاه: در حالی‌که بیشتر تحقیقات پیشین بر یک یا دو بعد خاص (مانند امنیت، سرمایهٔ اجتماعی یا انسجام) متمرکز بوده‌اند، این تحقیق با رویکردی کل‌نگر، ده کارکرد اصلی روابط همسایگی را به‌طور هم‌زمان بررسی کرده است. این جامعیت، امکان ارائه تصویری چندلایه و منسجم از نقش همسایگان را فراهم آورده که در تحقیقات پیشین کمتر دیده می‌شود.

۲ . تأکید بر بافت فرهنگی-اخلاقی: بسیاری از مطالعات پیشین، به ویژه در سنت کمی‌گرا، بیشتر بر شاخص‌های آماری و متغیرهای عینی تکیه داشتند و از لایه‌های معنایی، ارزشی و هنجاری غافل مانده بودند؛ اما این تحقیقات با رویکرد کیفی، به فهمِ درونیِ کنشگران اجتماعی از روابط همسایگی پرداخته و نشان داده که مفاهیمی چون احترام، همدلی، صداقت و مسئولیت‌پذیری، نه تنها زمینه‌ساز روابط پایدار همسایگی هستند؛ بلکه خود به مثابهٔ سرمایه‌ای نمادین در بازتولید نظم و انسجام اجتماعی عمل می‌کنند.

۳. نوآوری در روش‌شناسی: در حالی‌که بیشتر تحقیقات پیشین بر روش‌های کمی و پیمایشی متکی بوده‌اند، این تحقیق با رویکرد کیفی و تحلیل محتوای اسنادی، به شناسایی و دسته‌بندی نظام‌مند کارکردهای روابط همسایگی پرداخته است. این روش، امکان کشف

مفاهیمی را فراهم آورده که در تحقیقات کمی به دلیل ماهیت آماری، قابل شناسایی نبودند.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف واکاوی نقش و کارکردهای چندوجهی همسایگان در زندگی اجتماعی مردم و با بهره‌گیری از روش کیفی و رویکرد تحلیل محتوای اسنادی، به بررسی نظام‌مند ده کارکرد اصلی روابط همسایگی پرداخت. یافته‌های تحقیق به روشنی نشان داد که همسایگان، فراتر از یک همجواری مکانی، به عنوان شبکه‌ای از روابط انسانی عمل می‌کنند که در شکل‌گیری اعتماد، همکاری، مشارکت، امنیت، انسجام، حمایت عاطفی، انتقال ارزش‌ها، تربیت نسل جوان و حل بحران‌های خانوادگی نقشی بنیادین و غیرقابل‌انکار دارند. این یافته‌ها، پاسخ‌گوی پرسش اصلی تحقیق (کارکردهای چندوجهی روابط همسایگی در زندگی مردم) هستند و نشان می‌دهند که روابط همسایگی نه تنها یک رابطهٔ همجواری؛ بلکه سرمایه‌ای اجتماعی و فرهنگی ارزشمند است که بر تمام ابعاد زیستهٔ فردی و جمعی تأثیر می‌گذارد.

نتایج تأکید می‌کند که روابط همسایگیِ مبتنی بر احترام، صداقت و همدلی، نه تنها به بهبود کیفیت زندگی فردی می‌انجامد؛ بلکه به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی ارزشمند، زمینه‌ساز توسعهٔ جوامع محلی و پایداری فرهنگی-اجتماعی می‌گردد. در مقابل، تضعیف این روابط، به افزایش بی‌اعتمادی، انزوای اجتماعی، تنهایی، آسیب‌پذیری روانی و کاهش مشارکت‌های جمعی منجر می‌شود که خود عاملی برای گسست بافت اجتماعی و افت سرمایهٔ فرهنگی جوامع است. بنابراین، تقویت فرهنگ همسایه‌داری و بازآفرینی هنجارهای سنتی همسایگی، می‌تواند راهبردی کارآمد برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش انسجام جمعی در جوامع معاصر باشد.

پیشنهادات

۱. تقویت برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی در سطح محلات توسط نهادهای دولتی و مردمی (مانند برگزاری جشن‌ها، کارگاه‌های آموزشی و فعالیت‌های داوطلبانه) برای افزایش تعاملات چهره‌به‌چهره؛

۲. ایجاد فضاهای عمومی مناسب (پارک‌ها، مراکز محلی و کتابخانه‌ها) برای تسهیل ارتباطات اجتماعی و مشارکت جمعی؛

۳. انجام تحقیقات میدانی و قوم‌نگارانه با روش‌های کیفی (مصاحبه، مشاهده و مطالعهٔ موردی) در محلات مختلف شهری و روستایی افغانستان؛

۴. مطالعهٔ تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی (شبکه‌های اجتماعی) بر روابط همسایگی در جوامع معاصر.

منابع و مآخذ

قرآن الکریم.

اسماعیلی، معصومه؛ دشتی، اعظم و دهدست، کوثر. (۱۳۹۷). تجربهٔ زنان تهرانی از بی اعتنایی اجتماعی در روابط همسایگی: یک مطالعهٔ کیفی. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۶(۲)، ۲۲۱–۲۴۱. https://doi.org/10.22059/jwdp.2018.234570.1007208

توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت.

دورکیم، امیل. (۱۳۸۷). *تقسیم کار اجتماعی (ترجمه باقر پرهام)*. تهران: نشر مرکز.

سروستانی، صدیق. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در میان شهروندان ساکن محلات شهر مشهد. *فصلنامه مطالعات نظم و امنیت انتظامی*، ۳(۴)، ۱۴۰-۱۲۱.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی (ترجمه حسن چاووشیان)*. تهران: نشر نی.

یوسفی، علی؛ نوغانی، محسن و حجازی، مهلا. (۱۳۸۷). انسجام درشبکه‌های همسایگی شهر مشهد. مجله جامعه شناسی ایران، ۱۰(۱)، ۱۳۸–۱۶۱.

Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America’s declining social capital. *Journal of Democracy*, 6(1), 65–78.

Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.

Sampson, R. J. (1997). *Great American City: Chicago and the Enduring Neighborhood Effect*. Chicago: University of Chicago Press.